

دخالت دولت در اقتصاد و صنعتی شدن: بررسی تجربه کره جنوبی

محمد حسینی

(استادیار اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بروجرد)

مقدمه

هر از چند گاهی ادعا می‌گردد که تجربه کشورهای شرق آسیا از جمله کره جنوبی ناشی از کارکرد موفق نظام اقتصاد بازار آزاد است و سایر کشورهای در حال توسعه برای آنکه بتوانند به سطح کنونی کشورهای تاره صنعتی شده دست یابند ناگزینند دخالت دولت در اقتصاد را محدود نمایند. اما دیدگاه دیگر در این خصوص بر این باور است که نقش دولت در این راستا هدایت‌کننده و سازنده بوده است. دولت‌ها با برنامه‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری عمومی در بخش‌های زیربنایی به بخش خصوصی این امکان را داده است تا به بهره‌برداری از امکانات و عوامل تولید به نحو بایسته استفاده نماید. در این مقاله تلاش شده است که به سوالات ذیل تا حد امکان پاسخ داده شود:

۱. محیط با ثبات اقتصاد کلان منجر به افزایش سطح رشد و توسعه اقتصادی می‌گردد.
۲. سرمایه‌گذاری در زیربناها به طور اخص در زمینه نیروی انسانی به توسعه صنعتی کمک زیادی می‌نماید.

صنعتی شدن / منابع انسانی / توسعه صادرات / جذب

تکنولوژی

چکیده

سوال مهمی که کشورهای در حال توسعه با آن روبرو هستند دخالت یا عدم دخالت دولت در اقتصاد می‌باشد. این مقاله مروری است بر تجربه کره جنوبی و هدف این مطالعه آن است که اثرات مثبت و تاثیرگذار دخالت دولت، از طریق تنظیم برنامه‌های اقتصادی و تدوین راهبردهای مناسب بر ساختار اقتصادی را بررسی نماید. این مقاله به تحلیل سیاستهای منتخب دولت کره جنوبی در زمینه حمایت از صنایع داخلی به طور اعم و صنایع سنگین و شیمیایی به طور اخص به بحث و ارزیابی می‌پردازد. برای ایجاد زمینه‌های روشن در این تحقیق سعی بر آن است که سیاست‌ها و ابزارهای به کار گرفته شده توسط دولت در خصوص توسعه صنعتی از بعد نظری و تجربی بررسی گردد.

۳. عزم دولت برای تدوین راهبردهای مناسب توسعه و حمایت از بخش خصوصی منجر به افزایش سطح تولید و صادرات علی‌الخصوص محصولات با تکنولوژی پیشرفته شده است.

۱. دیدگاه‌های نظری

۱-۱. دیدگاه نولیبرال

اساساً دو نظریه در خصوص رشد و توسعه اقتصادی کشورهای تازه صنعتی شده (NICs) [۱] جنوب شرق آسیا در بین اقتصاددانان وجود دارد. نخست رویکرد نولیبرال است که بر خلاف رویکرد غالب سیاست توسعه اقتصادی در دهه‌های ۱۹۵۰ الی ۱۹۷۰ میلادی که نقش مهمی برای دولت در فرایند انباشت سرمایه به عنوان موتور رشد در کشورهای در حال توسعه قائل بود. نولیبرال‌ها بر تخصیص کارایی منابع به عنوان موتور رشد تاکید می‌ورزیده‌اند و به مکانیزم قیمت، گسترش رقابت و عدم اختلال در بازارها اشاره داشته‌اند. دوم، نظریه مرکزی رشد و توسعه اقتصادی درازمدت است که از کارایی تخصیصی در کوتاه‌مدت نشأت می‌گیرد [۲]. در دیدگاه آنان هدایت درست قیمت‌ها شرط ضروری و کافی برای نرخ رشد بلندمدت است ریدل (۱۹۹۲)، در دفاع از نولیبرال‌ها اشاره می‌کند که اصول اقتصاد نئوکلاسیک در کشورهای شرق آسیا به خوبی کار می‌کند و با تولید کالاهای عمومی بازارها کار تخصیص منابع را به خوبی انجام می‌دهند و این مهم را بهتر از سیستم برنامه‌ریزی متمرکز انجام می‌دهند.

پیروان دیدگاه نولیبرال اعتقاد به شکست‌های ذاتی و نواقص بازار دارند که ناشی از اشتباهات در سیاست‌های دولت است. با وجود این، تجربه کره جنوبی و تایوان پیشنهاد می‌کند که طبقه‌بندی استاندارد ابزارهای تجاری نئوکلاسیک‌ها حداقل در دو مورد (کنترل مستقیم واردات، تعرفه‌ها و یارانه‌ها) سوال‌برانگیز است ایوانز (۱۹۸۴)، در این خصوص اشاره می‌کند: تجربه کشورهای شرق آسیا در خصوص ابزارهای سیاست تجاری نمی‌تواند از چارچوب نهادی که در آن به کار برده می‌شود متفاوت باشد. برای مثال کنترل‌های کمی انتخابی در مورد کره جنوبی اغلب استفاده شده و با وجود این رفتار رانت‌جویی مشاهده نگردیده است که این ناشی از ایدئولوژی قوی ملی در خنثی کردن این گونه اثرات است، در این کشور معیارهای کمی با

مشوق‌های اقتصادی همراه بوده است. برای مثال سیاست واردات به عملکرد صادرات بنگاه بستگی دارد. لذا دولت مشوق‌ها را با ابزارهای کنترل مستقیم برای دستیابی به سیاست‌های انتخابی توسعه صنعتی استفاده نموده است. در ارتباط با نقش مناسب دولت در اقتصاد کروگر [۳] (۱۹۸۲)، به این نکته که دولت به عنوان یک سازمان غیربازاری نباید در محدوده فعالیت‌هایی از قبیل صنایع تولیدی، تنظیم مقررات و بازارهای ارز خارجی دخالت نماید اشاره می‌کند، زیرا این‌گونه دخالت‌ها منابع کمیاب را از فعالیت‌هایی مانند ایجاد و توسعه زیربنای عمومی و تنظیم و قانون منحرف می‌کند. از دیدگاه نولیبرال‌ها فعالیت دولت محدود به موارد ذیل می‌گردد:

دولت باید به بازار و بخش خصوصی برای تجهیز و تخصیص منابع رشد فعالیت‌ها کمک نماید و فقط در صورت شکست کامل بازار و بخش خصوصی دولت به مداخله در بازار دست بزند. دولت به ایجاد یک محیط باثبات و قابل پیش‌بینی اقتصادی با هماهنگی سیاست‌های پولی، مالی و ارزی اقدام می‌کند. اگر دولت فراتر از این محدوده در اقتصاد دخالت کند بر خلاف وظایف عادی و قابل قبولش عمل نموده است. گزارش‌های نهادهای برتن وودز در دهه ۱۹۸۰ میلادی تاکید بر بزرگ شدن بیش از حد دولت داشتند. مخالفین دیدگاه‌های نولیبرال‌ها اعتقاد دارند برای قبول این دیدگاه باید شواهد نظری و تجربی وجود داشته باشد. کولکوه (۱۹۹۱)، اشاره می‌کند که در اغلب مناطق دنیا بین اندازه دولت و رشد اقتصادی رشد مثبت وجود دارد. بیش از یکصد مورد رگرسیون‌های سری زمانی بر این مورد تاکید دارند. از طرف دیگر نولیبرال‌ها که مخالف دخالت دولت در اقتصاد فراتر از وظایف محدود آن می‌باشند، نمی‌توانند شواهدی نشان دهند که «سهام کوچک‌تر مخارج دولت در GDP [۴] باعث رشد سریع‌تر و بیشتر شده باشد». دیدگاه دیگری که دخالت دولت در اقتصاد را مضر می‌داند، به رفتار رانت‌طلبانه و فعالیت‌های مستقیماً غیرمولد اشاره دارد. از نقطه نظر مدافعان این دیدگاه دخالت دولت باعث سوءاستفاده بنگاه‌های خصوصی از سیاست‌های دولت می‌گردد. مثلاً سیاست محدودیت واردات به وسیله مدافعان رانت‌جویانه تولیدکنندگان داخلی حمایت به جای هدف حمایت از صنایع بومی می‌گردد. اگر چه دیدگاه رانت‌طلبی بر عدم کارایی در اقتصاد ناشی از دخالت دولت در اقتصاد تاکید دارد.

۲-۱. دیدگاه نهادگرایان نو

دیدگاه نهادگرایان نو برخلاف جریان‌های عمومی اقتصاد که مسائل عمده اقتصاد را تخصیص منابع، توزیع درآمد و تعیین محصول قیمت می‌دانند، مسئله عمده اقتصاد را سازمان و کنترل سیستم اقتصادی می‌دانند. در این دیدگاه بازار صرفاً یک نهاد است که نهادهای فرعی دیگر را در بر می‌گیرد و جایگزینی برای سایر نهادهای پیچیده در جامعه است. و نهایتاً به این نکته تأکید می‌نماید که نه بازار بلکه ساختار سازمانی اقتصاد به تخصیص منابع می‌پردازد. از دیدگاه آمسدن (۱۹۹۵)، در صنعتی شدن کشورهای شرق آسیا دخالت دولت بسیار گسترده بوده است. این نوع صنعتی شدن بر بنیاد یارانه استوار است که شامل حمایت و تشویق‌های مالی نیز می‌باشد. دولت به عنوان کارآفرین مکانیزم تخصیص منابع و توزیع تولید را هدایت می‌نماید. نکته مهم در اینجا نهفته است که دولت باید برای گروه‌های ذینفعی که از حمایت دولت برخوردار می‌شوند معیارهای عملکرد تعیین نماید یعنی در قبال یارانه‌هایی که می‌پردازد از شرکت‌ها بخواهد که عملکرد خاصی را دنبال و معیارهای متناسب را رعایت نمایند. این امر به دولت کمک می‌نماید که به مجموعه‌ای از گروه‌های کارآفرین تبدیل شود. از دیدگاه وید (۱۹۹۰)، که به دیدگاه آمسدن خیلی نزدیک می‌باشد، این بازار از یک سلسله خط‌مشی‌هایی پیروی می‌کند که به دولت امکان می‌دهد فرایند تخصیص منابع بازار را هدایت و راهنمایی کند. در بخش بعدی به بررسی این موضوع پرداخته می‌شود که چگونه دولت کره با استفاده از سیاست‌های اقتصادی و طراحی و تدوین راهبردهای توسعه برای هر مقطع زمانی توانست نقش خود را به عنوان تخصیص‌دهنده منابع و بستر ساز رشد سایر بخش‌ها انجام دهد.

۲. سیاست‌های اقتصاد کلان و ضرورت‌های اقتصادی کره جنوبی

در دهه ۱۹۵۰ میلادی و بیشتر دهه ۱۹۶۰ میلادی بیشتر درآمدهای دولت کره جنوبی ناشی از کمک‌های ایالات متحده آمریکا و استقراض دولت از سیستم بانکی تامین می‌شد. بخش فوق ۶۰٪-۵۰٪ درآمد دولت را تشکیل می‌داد. عمده کمک ایالات متحده آمریکا به کره جنوبی در این دوران شامل تکنولوژی، ماشین‌آلات، مواد اولیه و کالاهای ساخته شده بود. یکی از ویژگی‌های راهبرد توسعه اقتصادی در کره جنوبی از

شروع دهه ۱۹۶۰ میلادی طراحی و اجرای برنامه‌های اقتصادی با رویکرد صادراتی بود. یکی از دلایل عمده برای این امر، اعلام دولت ایالات متحده مبنی بر اینکه کمک‌های این کشور به کره در طول دهه ۱۹۶۰ به اتمام خواهد رسید، بود. از بعد سیاست اقتصاد کلان یکی از اقدامات مهم دولت یکسان نمودن قیمت‌های کره جنوبی با قیمت‌های بین‌المللی به منظور بهره‌برداری از برتری نسبی کشور و حفظ قابلیت رقابت صادرات آن بود. در اوائل دهه ۱۹۶۰ میلادی ارزش برابری ون (واحد پول کره) کاهش داده شد و این کار پس از آن در فواصل کمابیش منظم صورت پذیرفت. طی این کاهش‌های ارزش پول، از یارانه‌های صادرات استفاده شد تا این اطمینان حاصل شود که نرخ واقعی ارز برای صادرکنندگان تغییر نماید. اتخاذ این سیاست کمک زیادی به جهش صادرات کره جنوبی نمود.

بخش دیگری از سیاست اقتصادی تغییر نظام مالی کشور در سال ۱۹۶۱ میلادی بود. دولت اداره پنج بانک عمده را به عهده گرفت و از این نظارت در جهت اجرای برنامه‌های سرمایه‌گذاری و تولید خویش استفاده نمود. سرمایه با یارانه در اختیار کارفرمایان قرار داده شد. از دیگر سیاست‌های دولتی (تعرفه‌ها، نظارت‌های قیمتی، مالیات بر سود، مقرری استهلاک نظارت بر اقلام وارده به هر صنعت) به منظور اعمال تبعیض بین شرکت‌ها استفاده شد. به آنها که با خواسته‌های برنامه‌ریزان مطابقت داشتند مساعدت می‌شد و موسساتی که از مطابقت برنامه‌های خود با اهداف راهبرد و توسعه اقتصادی کشور سرباز می‌زدند، جریمه می‌شدند (اسکیتوسکی، ۱۹۸۶).

دخالت دولت در بازار سرمایه به پدید آمدن یک ساختار انحصاری چندجانبه (Oligopoly) در بخش صنعت کمک نمود. شرکت‌های که از اشکال مختلف دسترس به اعتبار وام‌های اعطایی با نرخ‌های بهره واقعی پایین منتفع شدند بسیار سریع رشد نمودند. در حالی که شرکت‌هایی که از تحصیل وام یا تمدید جرائم خویش ناتوان بودند کوچک باقی ماندند و اغلب ورشکست شدند. در نتیجه اندازه متوسط بنگاه اقتصادی در کره جنوبی بزرگ است و چابول (گروه‌های بزرگ صنعتی) تولیدکننده بخش اعظم محصولات صنعتی می‌باشند. [۵]

در دوره ۱۹۵۰ درآمدهای مالیاتی تنها ۴۰٪ درآمدها را تشکیل می‌داد. چان (۲۰۰۲)، هدف عمده سیاست مالیاتی افزایش درآمدهای مالیاتی برای احیا موازنه مالی و مشوق‌های مالیاتی به

بخش خصوصی بود تا زمینه رشد فعالیت‌های سرمایه‌گذاری افزایش یابد. نخستین اصلاحات سیستم مالیاتی کره در سال ۱۹۶۱ انجام گرفت که هدف عمده اصلاحات ساده نمودن سیستم مالیاتی کره بود از اهداف عمده سیستم جدید عبارت بودند از:

الف) توسعه و گسترش درآمدهای کارآمد

ب) افزایش پس‌انداز و سرمایه‌گذاری خصوصی

ج) ایجاد سیستم عادلانه مالیاتی

اقدام موثر دیگر دولت تاسیس اداره ملی مالیات کره (ONTA) در سال ۱۹۶۶ بود. تاسیس این سازمان سرآغاز شروع نظام جدید مالیاتی کره بود. طبعاً برنامه‌های توسعه اقتصادی نیاز به حمایت مالی دولت داشت بعد از اصلاحات فوق درآمدهای مالیاتی دولت را به نحو قابل ملاحظه‌ای افزایش داد. به طوری که نسبت مالیات به تولید ناخالص ملی (GDP) ۱۷٪ کره جنوبی بین سال‌های ۱۹۶۵-۱۹۶۹ دوبرابر افزایش یافت. رشد درآمدهای مالیاتی به حدی بود که از رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) نیز فزونی گرفت. درآمدهای مالیاتی به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی (GDP) به ۱۵٪ در دهه ۱۹۷۰ افزایش یافت. در دهه ۱۹۷۰ با استراتژی جدید دولت مبنی بر توسعه صنایع سنگین و شیمیایی، رشد درآمدهای مالیاتی می‌بایست ضامنی برای توسعه کشور باشد، اصلاحات مالیاتی سال ۱۹۷۴ بر پایه تعدیل در توزیع درآمد و ثروت بنیانگذاری شد.

سیستم مالیاتی جدید فشار مالیاتی بر گروه‌ها و اقشار آسیب‌پذیر جامعه را تا حد زیادی کاهش داد. در همین دوره مالیات بر ارزش افزوده (VTA) ۸٪ و مالیات‌های غیرمستقیم دیگری نیز معرفی شدند. مالیات بر ارزش افزوده مصرف و مالیات‌های جدید غیرمستقیم، مالیات‌های غیرمستقیم سنتی را جابجا نمودند. از زمان به‌کارگیری مالیات بر ارزش افزوده (VTA) در سال ۱۹۷۷ میلادی درآمدهای مالیاتی دولت به نحو قابل ملاحظه‌ای افزایش یافت. در طول دهه ۱۹۸۰ میلادی مسیر تامین مالی توسعه آهسته‌تر شد زیرا هدف سیاست اقتصادی از رشد بالا به سیاست تثبیت معطوف گردید. در این دوره همچنین مشوق‌های مالیاتی کاهش یافت. هدف دیگر سیاست مالیاتی کاهش وابستگی دولت به درآمد مالیاتی غیرمستقیم و تمرکز بر درآمدهای مالیاتی مستقیم بود. در بخش آموزش و پرورش دولت با طراحی یک نوع مالیات جدید توانست زمینه را برای حمایت مالی از زیربنای آموزشی فراهم سازد. دولت همزمان توجه به سیاست تعدیل توزیع درآمد و ثروت و به عبارت دیگر حمایت از اقشار و گروه‌های کم‌درآمد جامعه را دنبال می‌نمود. یکی از اقدامات دولت در این زمینه ساده‌سازی مالیات‌های غیرمستقیم و خارج‌سازی کالاها مصرفی بود. ادامه از لیست مالیاتی غیرمستقیم بود. در دهه ۱۹۹۰ میلادی نیز دولت بخش اعظمی از حقوق‌بگیران ثابت را از پرداخت مالیات مستقیم معاف نمود.



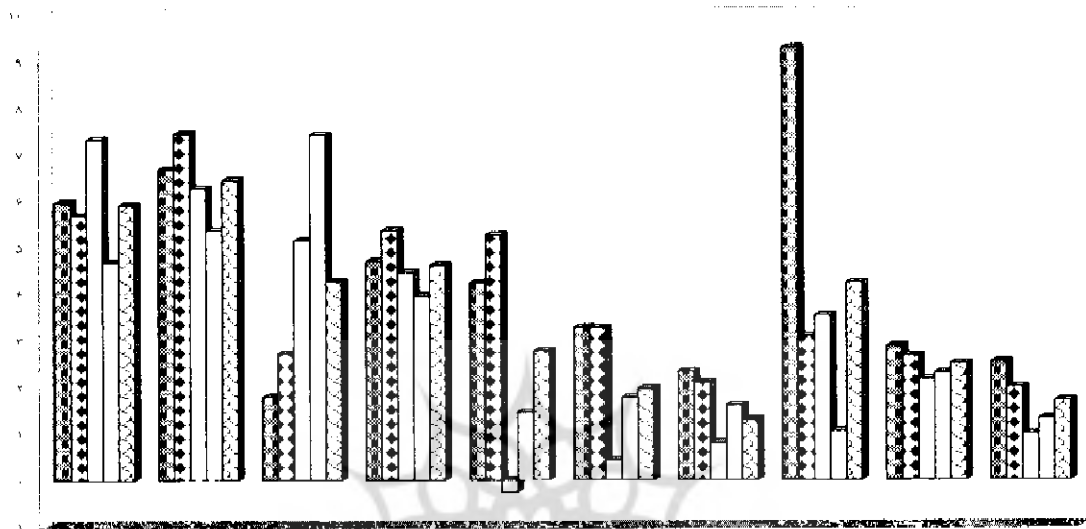
منبع: National Tax Service of the Republic of Korea, Statistical Year Books

نمودار ۱- مالیات به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی کره جنوبی (٪)

۳. تغییرات زیربنایی و رشد اقتصادی

تغییرات زیربنایی در دوران رشد اقتصادی شامل دور شدن از فعالیت‌های کشاورزی و نزدیکی به فعالیت‌های غیرکشاورزی، تغییر در مقیاس تولید از کوچک به بزرگ، افزایش بازدهی و بهره‌وری عوامل تولید به دلیل رشد ترقیات فنی می‌باشد. رشد تولید ناخالص داخلی سرانه به دلیل بهبود کیفی مواد اولیه و عوامل تولید است که بازدهی بیشتر یا بهره‌وری سرانه عوامل تولید را به دنبال دارد. رشد تولید ملی

افزایش سریع جمعیت نیروی کار را به دنبال داشته است. افزایش تولید ملی بالا رفتن قابل توجهی در نرخ تمرکز سرمایه داشته است. همان طوری که آمار جدول شماره ۱ نشان می‌دهد متوسط رشد اقتصادی کره جنوبی در طی دوره ۲۰۰۰-۱۹۶۰ بعد از تایوان با ۵/۹۱ درصد رشد تولید ناخالص داخلی سرانه از کشورهای آمریکا، ژاپن و متوسط هشاد و پنج کشور جهان بیست و یک کشور آمریکای جنوبی؛ مکزیک، برزیل و متوسط نه کشور شرق آسیا بالاتر بوده است. [۹]



کشور	۱۹۶۰-۱۹۷۰	۱۹۷۰-۱۹۸۰	۱۹۸۰-۱۹۹۰	۱۹۹۰-۲۰۰۰	متوسط ۱۱ کشور آمریکای جنوبی	مکزیک	برزیل	ژاپن	تایوان	کره جنوبی
کره جنوبی	۲.۳۳	۳.۲۸	۳.۲۳	۳.۲۳	۳.۲۳	۳.۲۳	۳.۲۳	۳.۲۳	۳.۲۳	۳.۲۳
تایوان	۲.۲۳	۲.۲۳	۲.۲۳	۲.۲۳	۲.۲۳	۲.۲۳	۲.۲۳	۲.۲۳	۲.۲۳	۲.۲۳
ژاپن	۲.۲۳	۲.۲۳	۲.۲۳	۲.۲۳	۲.۲۳	۲.۲۳	۲.۲۳	۲.۲۳	۲.۲۳	۲.۲۳
آمریکا	۲.۲۳	۲.۲۳	۲.۲۳	۲.۲۳	۲.۲۳	۲.۲۳	۲.۲۳	۲.۲۳	۲.۲۳	۲.۲۳
مکزیک	۲.۲۳	۲.۲۳	۲.۲۳	۲.۲۳	۲.۲۳	۲.۲۳	۲.۲۳	۲.۲۳	۲.۲۳	۲.۲۳
برزیل	۲.۲۳	۲.۲۳	۲.۲۳	۲.۲۳	۲.۲۳	۲.۲۳	۲.۲۳	۲.۲۳	۲.۲۳	۲.۲۳
متوسط ۱۱ کشور آمریکای جنوبی	۲.۲۳	۲.۲۳	۲.۲۳	۲.۲۳	۲.۲۳	۲.۲۳	۲.۲۳	۲.۲۳	۲.۲۳	۲.۲۳

منبع: کریگریو و لی (۲۰۰۳)

نمودار ۲- مقایسه درصد متوسط رشد تولید ناخالص داخلی سرانه کره جنوبی با سایر کشورهای جهان (۱۹۶۰-۲۰۰۰)

جدول ۱- توزیع نیروی کار در بخش‌های مختلف اقتصاد کره جنوبی (۱۹۶۰-۲۰۰۰)

طبقه‌بندی بر اساس نوع صنایع	۱۹۶۰	۱۹۷۰	۱۹۸۰	۱۹۸۵	۱۹۹۰	۱۹۹۵
کشاورزی	۶۵/۹	۵۰/۸	۳۷/۸	۲۱/۱	۲۰/۸	۱۵/۹
معادن	۰/۷	۰/۱	-/۷	۰/۷	-/۴	-/۲
صنایع تولیدی	۶/۸	۱۴/۳	۲۲/۱	۲۳/۰	۲۷/۴	۲۳/۸
امور زیربنایی	۰/۲	۰/۲	-/۳	۰/۴	-/۴	-/۵
ساختمان	۱/۷	۴/۶	۵/۷	۶/۶	۷/۱	۸/۶
خدمات (۱)	۸/۳	۱۲/۶	۱۶/۲	۱۷/۲	۱۹/۳	۲۲/۹
خدمات (۲)	۱۲/۴	۱/۰	۲/۳	۲/۴	۵/۳	۷/۸

منبع: سامرز و آتن (۲۰۰۲)

خدمات (۱): خدمات در این بخش شامل عمده‌فروشی، تجارت، رستوران و هتلداری می‌باشد.

خدمات (۲): خدمات در این بخش شامل: امور مالی، بیمه، مسکن و شرکت‌ها می‌باشد.

جدول ۲- سیستم آموزشی کره جنوبی از زمان استقلال تاکنون

سال ۲۰۰۰ به بعد	۱۹۸۰-۲۰۰۰	۱۹۶۰-۱۹۸۰	۱۹۴۸-۶۰
استفاده از سیستم ابداعات منابع انسانی	استفاده از روش‌های آموزش غیرسنتی	برنامه‌ریزی آموزشی برای توسعه اقتصادی با تمرکز به نهادهای سنتی آموزش عالی	تاسیس زیربناهای ملی با رویکرد دولت محور
بهبود بهره‌وری تحقیقات	توسعه مشاغل تخصصی در زمینه‌های استراتژیک (تکنولوژی اطلاعات، علوم و مهندسی)	بهبود کیفیت تدریس ابتدایی و متوسطه، افزایش فارغ‌التحصیلان کالج‌های مهندسی	ایجاد مدارس ابتدایی، مراکز فنی و حرفه‌ای، توسعه منابع انسانی در پزشکی مهندسی و آموزش معلمان
بازسازی سیستم دولتی و سطوح نهادی با استفاده از کمک‌های گسترده دولتی	افزایش بودجه تحقیقات در زمینه‌های علوم تکنولوژی و ایجاد مشاغل متنوع در نهادهای آموزشی عالی	معرفی آموزش ابتدایی و متوسطه (۲-۴) ایجاد کالج‌های فنی و حرفه‌ای و توسعه منابع بخش خصوصی برای توسعه آموزشی	استفاده از کمک‌های خارجی UNKRA OEC USOM
			اهداف اولیه - وظایف منابع

منبع: اقتباس از بانک جهانی (۲۰۰۶)

تحت این برنامه بین مردم توزیع شد. سیاست دوم شناسایی آموزش و پرورش به عنوان یکی از مهم‌ترین اولویت‌های توسعه بود. دولت منابع عمومی زیادی را به این امر اختصاص داد. پیشرفت آموزش و پرورش در کره جنوبی تا حد زیادی مدیون سرمایه‌گذاری‌های بخش عمومی در سطوح مختلف آموزش و پرورش از جمله مقطع متوسطه می‌باشد.

آمارها نشان می‌دهد که متوسط سال‌های مدرسه جمعیت پانزده سال به بالا که در سال ۱۹۶۰ میلادی ۴/۲ بود در سال ۱۹۹۰ به ۹/۹ درصد افزایش یافت که این افزایش از متوسط رقم کشورهای OECD [۱۰] بالاتر بود. حتی رشد آموزش و پرورش کره جنوبی از سایر کشورهای تازه صنعتی شده جنوب شرق آسیا (NICs) (هنگ‌کنگ و تایوان) نیز بالاتر بوده است. هزینه‌های آموزشی کره جنوبی به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی از دهه ۱۹۷۰ میلادی به بعد همواره بالاتر از ۳ درصد بوده است. یکی دیگر از شاخص‌های بهبود سطح کیفی آموزش و پرورش در کره جنوبی افزایش تعداد آموزگاران در مقاطع ابتدایی و متوسطه بوده است. اتخاذ راهبرد مناسب توسعه اقتصادی باعث گردید که نیروهای انسانی آموزش‌دیده در جایگاه مناسب به کار گرفته شوند. همان طوری که آمار جدول شماره ۱ نیز نشان می‌دهد سهم اشتغال نیروی کار در بخش‌های صنایع تولیدی و خدمات با رشد بالایی در طول دهه‌های گذشته روبرو بوده است. افزایش

آمارها همچنین نشان می‌دهد که سهم صنعت در تولید ناخالص ملی (GNP) بین سال ۱۹۶۰ و ۱۹۷۵ تقریباً دو برابر شد و رشد بخش صنعت با ادامه روند صعودی خود تا اواسط دهه ۱۹۸۰ افزایش بیشتری را تجربه نمود. توزیع نیروی کار در بخش‌های اقتصادی روند مشابهی را طی نمود به طوری که سهم نیروی کار بخش کشاورزی که در سال ۱۹۶۰ برابر ۶۵/۹ درصد بود در سال ۱۹۸۰ به ۳۷/۸ درصد و در سال ۱۹۹۰ به ۲۰/۸ کاهش یافت و در مقابل سهم نیروی کار در بخش‌های صنعت و خدمات روند رشد بالایی را تجربه می‌نمود.

۴. هزینه‌های آموزشی دولت به مثابه عامل موثر رشد اقتصادی

در دهه ۱۹۵۰ میلادی کره جنوبی یکی از فقیرترین کشورهای دنیا بود. با وجود این، علیرغم رشد پایین اقتصادی در این دوران، دولت همزمان با اجرای سیاست جایگزینی واردات دو سیاست مهم به شرح ذیل را اتخاذ نمود:

نخست فشار جمعیت که به وسیله مهاجرت از شمال جزیره تشدید شده بود، همراه با یک برنامه جامع اطلاعات ارضی بود به طوری که این برنامه حداکثر زمین قابل تملک به وسیله خانوار را به ۳ هکتار کاهش داد. این سیاست باعث تعدیل توزیع درآمد و ثروت بین اکثریت جمعیت شد. تقریباً زمین‌های قابل کشت

تقاضا برای آموزش در بخش‌های مورد اشاره خود نیز به توسعه منابع و سرمایه انسانی در کره جنوبی کمک نموده است.

۵. جهت‌گیری راهبردهای توسعه و ضرورت‌های اقتصاد

در این بخش در ارتباط با نقش مناسب دولت در اقتصاد صحت دیدگاه نولیبرال‌ها در مورد کشورهای تازه صنعتی شده جنوب شرق آسیا به چالش کشیده شده و استدلال گردیده است که چگونه دولت کره با استفاده از سیاست‌های اقتصادی و طراحی و تدوین راهبردهای توسعه برای هر مقطع زمانی توانست نقش خود را به عنوان تخصیص‌دهنده منابع و بسترساز رشد سایر بخش‌ها انجام دهد. اگرچه سیاست جایگزینی واردات نقش با اهمیتی در اغلب صنایع مصرفی و سرمایه‌ای کره جنوبی ایجاد نمود. با وجود این گسترش صادرات بخش مهمی از استراتژی توسعه کشور در سال‌های دهه ۱۹۶۰ میلادی بود. صنعتی شدن مستلزم واردات انبوه مواد اولیه و تکنولوژی خارجی بود. لذا رشد صادرات برای پرداخت هزینه‌های واردات ضروری به نظر می‌رسید. با توجه به سطح پایین پس‌انداز در داخل کشور وجود سرمایه‌های خارجی برای پر نمودن شکاف پس‌انداز به شدت احساس می‌گردید. به منظور اجتناب از ضررهای ناشی از سطح پایین محصول در بخش‌های اولویت‌دار دولت صنایع را هدایت می‌نمود تا در مقیاس بزرگ بنگاه‌های تولید را فعال سازند.

از دیدگاه آمسدن (۱۹۹۵)، در صنعتی شدن کشورهای شرق آسیا دخالت دولت بسیار گسترده بوده است. این نوع صنعتی شدن بر بنیاد یارانه استوار است که شامل حفاظت و تشویق‌های مالی نیز می‌باشد. دولت به عنوان کارآفرین مکانیزم تخصیص منابع و توزیع تولید را هدایت می‌نماید. نکته مهم در اینجا نهفته است که دولت باید برای گروه‌های ذینفعی که از حمایت دولت برخوردار می‌شوند معیارهای عملکرد تعیین نماید یعنی در قبال یارانه‌هایی که می‌پردازد از شرکت‌ها بخواهد که عملکرد خاصی را دنبال و معیارهای متناسب را رعایت نمایند. این امر به دولت کمک می‌نماید که به مجموعه‌ای از گروه‌های کارآفرین تبدیل شود. از دیدگاه وید (۱۹۹۰)، که به رویکرد آمسدن خیلی نزدیک می‌باشد. این بازار از یک سلسله خط‌مشی‌هایی پیروی می‌کند که به دولت امکان می‌دهد فرایند تخصیص منابع بازار را هدایت و راهنمایی کند.

سیاست‌های توسعه صادرات در کره بسیار متنوع بوده‌اند، انواع یارانه‌ها، قیمت‌های ترجیحی، معافیت‌های مالیاتی و تعرفه‌ای و همچنین دسترسی به اعتبارات مهم‌ترین معیار در این زمینه بوده است. در همین راستا واردات کالاهای سرمایه‌ای، تجهیزات و کالاهای واسطه‌ای از پرداخت تعرفه معاف شدند. صادرکنندگان از اعتبارات با نرخ‌های بهره ترجیحی و کاهش نرخ‌ها برای برق حمل و نقل و خدمات استفاده نمودند. در زمینه سیاست تجاری تعرفه‌ها و دیگر موانع تجاری کشور کره حمایت بسیار زیادی تا دهه ۱۹۸۰ از صنایع داخلی به عمل آورد.

از نظر وستفال (۱۹۷۸)، دسترسی به بازارهای حمایت شده داخلی وابسته به عملکرد رضایت‌بخش صادرات بود. به طوری که صنایع تازه تاسیس شده جایگزین واردات تشویق به صادرات می‌شدند. لذا بنگاه‌های جایگزین واردات یاد می‌گرفتند که با انضباط بازار و رقابت محصولات، در بازارهای صادراتی و همزمان با حمایت در داخل به فعالیت ادامه دهند. کره جنوبی همچنین نهادهای متعددی برای توسعه صادرات بنیانگذاری نمود. سازمان توسعه تجارت کره (KITA) با حمایت دولت برای توسعه صادرات بنگاه‌های کوچک و متوسط ایجاد شد. دولت کره جنوبی نهادهای جدیدی را برای حمایت از توسعه تکنولوژی و تحقیقات تاسیس نمود. انستیتو علوم و تکنولوژی کره (KIST) که به واردات و تطبیق تکنولوژی با شرایط بومی می‌پرداخت در سال ۱۹۶۶ میلادی تاسیس شد، این انستیتو در بومی نمودن تکنولوژی نقش شایان توجهی داشته است. سازمان تجارت کره ارتباط بین بخش خصوصی و دولتی را نهادینه می‌ساخت. دولت کره صندوقی ویژه برای توسعه صادرات را نیز در سال ۱۹۶۹ تاسیس نمود. سفارتخانه‌های کره جنوبی در خارج از کشور موظف گردیدند تا به توسعه تجارت خارجی شتاب بخشند. دولت اهداف جزئی صادرات کالا را برای صادرکنندگان تعیین می‌نمود.

حتی جلسات ماهیانه رئیس جمهوری با مدیران بخش خصوصی و دیوان سالاران برجسته به منظور جلوگیری از موانع اداری و دیگر تنگناها برگزار می‌گردید. ره (۱۹۸۵)، خاطرنشان می‌سازد که مهم‌ترین عامل که در توسعه صادرات موفق کره جنوبی نقش داشته است رویکرد عمل‌گرا و انعطاف‌پذیر سیستم دولتی آن کشور بوده است. فرایندی که در آن نتایج کار و سیاست تعدیل آن تا حصول نتیجه مناسب ادامه می‌یابد. تا اواسط

دهه ۱۹۷۰ میلادی کره جنوبی سیستم تخفیف مالیاتی و تعرفه‌ای را مورد استفاده قرار می‌داد. مشخصات این سیستم موفق عبارت بودند از: انتخاب غیرمحدود بین داده‌های ساخته شده داخلی و وارداتی و همچنین عدم تبعیض بین صادرکنندگان (مستقیم و غیرمستقیم) در دسترسی به واردات بدون عوارض و مشوق‌های صادراتی. افزایش کارایی اداری نیز به دلیل دو ابزار الف) چاپ ضرایب فیزیکی داده‌ها و ستاده‌ها و ب) استفاده از رویه‌های مالی و مدارک برای واردات بدون عوارض بود. افزایش یافت. دولت کره از سال ۱۹۷۵ و به دنبال شوک نفتی سال ۱۹۷۴ سیستم کنترل را برقرار ساخت و برای حصول اطمینان خاطر از شرایط تجارت آزاد، معیارهایی را برای تضمین تجارت آزاد اعلام نمود.

اگرچه از اوایل دهه ۱۹۶۰، کره را به عنوان صادرکننده عمده محصولات کاربر از قبیل لباس، پوشاک، ابریشم و ماهی مطرح بود با وجود این، ساختار صادرات به سرعت در حال عوض شدن بود. علاوه بر این در اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی مناطق ویژه صادرات (PEZ) [۱۳] در ماسان و ایری تاسیس گردیدند. تا آن زمان دولت کره هنوز سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را تشویق نمی‌نمود. مناطق ویژه صادرات در صنایع ویژه‌ای مانند الکترونیک، نساجی و لباس برای تولیدکنندگان خارجی ایجاد شد. تا سال ۱۹۷۸ شرکت‌های خارجی چندملیتی در حدود سه چهارم صادرات الکترونیک و ده درصد صادرات لباس و نساجی را انجام می‌دادند.

۶. صنایع سنگین و شیمیایی به عنوان محرک توسعه صنعتی

تصمیم راهبردی دولت کره، در کانون قرار دادن صنایع سنگین و شیمیایی به عنوان محور اصلی فعالیت‌های سرمایه‌گذاری از اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی بود. صنایع پتروشیمی، آهن و استیل نیز مورد توجه قرار گرفتند. بر نامه‌ریزان توسعه اقتصادی کره جنوبی از اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی توجه خود را به توسعه صنایع پتروشیمی و آهن و فولاد معطوف داشتند. ایده اصلی این بود که این نوع صنایع می‌توانند اقتصاد صنعتی کره را حداقل به دو صورت ذیل تحت تاثیر قرار دهد:

۱. تولید به منظور صادرات و کسب درآمد اضافی نسبت به کالاهای کشاورزی و سنتی

۲. تولید به منظور جذب در اقتصاد صنعتی و توسعه صنایع خودروسازی، ماشین‌سازی، لوازم خانگی و الکترونیک
رویکرد انتخاب شده توسعه صنایع سنگین و پتروشیمی مبتنی بر یک فلسفه آینده‌نگرانه (Futurism) برای رسیدن به جایگاه رقابتی و مطمئن در اقتصاد جهانی بوده است. به منظور حمایت از صنایع شیمیایی دولت کره جنوبی انستیتو تحقیقات تکنولوژی شیمیایی (KICRI) [۱۴] را در سال ۱۹۷۶ با هدف تحقیق و تولید مواد شیمیایی دارای ارزش افزوده بالا که به رقابت‌پذیری صنایع کمک نماید، تاسیس نمود.

تولید محصولات وابسته به این صنایع با مشکل کمبود منابع علی‌الخصوص سرمایه خارجی و تکنولوژی روبرو بود. لذا دولت نیاز داشت تا به طور سیستماتیک شرایط رشد را فراهم سازد. گام اول دولت انتخاب دقیق عرضه‌کنندگان تکنولوژی خارجی بود. سیاست بعدی رقابت‌پذیر بودن بین‌المللی محصولات پروژه‌هایی بود که با وام خارجی شکل گرفته بودند. اقدامات دولت کره دور اندیشانه و واقع‌گرا بود و از ابتدای مذاکرات الزامات خاصی را از طرف خارجی تقاضا می‌نمود. برخی از شرایط دولت کره در مورد تکنولوژی‌های وارداتی عبارت بودند از:

الف- واگذاری دانش فنی به طرف کره‌ای

ب- آموزش کارشناسان کره‌ای در خصوص تمامی ابعاد از طراحی تا تولید

ج- جایگزینی سریع کارشناسان و تکنسین‌های کره‌ای به جای خارجی‌ها

گام بعدی تامین سرمایه (حداقل ۴۰٪) کل سرمایه‌گذاری در صنایع سنگین و شیمیایی به منظور ایجاد یک ساختار مالی سالم بود. سیاست بعدی اولویت به وام‌ها با شرایط مناسب بود. از بعد اقتصاد کلان دولت کره برای فعالیت سرمایه‌های خارجی شرایطی را تعیین نموده بود که عمدتاً این سرمایه‌ها باید در جهت کاهش کسری موازنه تجاری، ایجاد اشتغال و انتقال تکنولوژی به کار گرفته شود. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) [۱۵] خصوصاً برای پروژه‌هایی که منابع اولیه را همراه با تکنولوژی پیشرفته و توسعه بازار همراه بیاورند، تشویق می‌شدند. ضمناً سهم صادرات خارجی نباید بیشتر از پنجاه درصد کل سرمایه‌گذاری می‌گردید و نهایتاً تکنولوژی‌های به روز و پیشرفته که وضعیت موجود کشورهای توسعه‌یافته را نشان دهند انتخاب می‌شدند. معیار نهایی موفقیت بنگاه‌های اقتصادی، صادرات

قلمداد می‌گردید. همچنین دولت کره به سرمایه‌گذاران خارجی اجازه فعالیت در بخش‌هایی می‌داد که دارای مزیت نسبی باشند. به علاوه آن دسته از فعالیت‌های که احتمال می‌رفت که تقاضا برای محصولات آن در آینده افزایش یابد و دارای کشش درآمدی بالایی باشند تشویق می‌شدند.

سیاست دولت در دهه ۱۹۷۰ به گونه‌ای طراحی شده بود که به بخش الکترونیک جذابیت می‌بخشید. دولت کره صنعت الکترونیک را به عنوان یکی از شش صنعت برگزیده انتخاب نمود، که می‌بایست در چهارچوب صنایع سنگین و شیمیایی توسعه یابد (ایوانز، ۱۹۹۵). وام‌های هدفمند با نرخ‌های بهره کمتر از بازار از جمله مشوق‌های در نظر گرفته شده دولت در این بخش بوده است. مسایل مربوط به بازدهی و بهره‌وری از طریق مذاکره با گروه‌های بزرگ صنعتی (چابول) و یا از طریق انجمن صنعت الکترونیک کره (ETIAK) انجام می‌گرفت. در واقع دولت در نقش یک تنظیم‌کننده وارد عمل می‌شده است به طوری که درگیری با بخش خصوصی را به حداقل می‌رساند، یا به عبارت دیگر تلاش می‌نمود به عنوان رقیب بخش خصوصی مطرح نگردد.

در طول دهه ۱۹۶۰ میلادی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از

۳٪ کل سرمایه‌گذاری‌ها بیشتر نشده بود. بخشی از توانایی‌های تکنولوژیک صنایع کره جنوبی از طریق سرمایه‌گذاری‌های مشترک (Joint Venture) عمدتاً با کشورهای ژاپن و آمریکا در صنایع سنگین پتروشیمی، آهن و فولاد و نساجی به دست آمده است. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) ۱۷٪ در برخی از صنایع مانند الکترونیک و ارتباطات به رشد این بخش‌ها کمک نموده است. دیدگاه شرکت‌های ژاپنی در خصوص سرمایه‌گذاری مشترک در کره جنوبی نوعی نگاه به عنوان بازاری برای محصولات ساخته شده آن کشور بود، در حالی که دیدگاه شرکت‌های چندملیتی آمریکایی به کشورهای تازه صنعتی شده جنوب شرق آسیا به عنوان مراکز تولیدی برای صادرات به منظور استفاده از نیروی کار ارزان بود. به عنوان مثال شرکت‌های سانپو و ماتسوشیتا کمک‌هایی فنی به سامسونگ و گلد استار برای تاسیس کارخانه تولید رادیوهای ترانزیستوری را از اوایل دهه ۱۹۶۰ میلادی فراهم نمودند. سامسونگ بزرگترین شرکت تولیدکننده محصولات الکترونیک کره جنوبی سرمایه‌گذاری مشترکی با توشیبا در سال ۱۹۶۹ منعقد نمود و به اعزام ۱۰۶ نفر برای آموزش در زمینه تولید رادیو، تلویزیون و قطعات الکترونیکی به ژاپن زمینه مساعدی برای جذب تکنولوژی ایجاد نمود (هوبادی، ۱۹۸۷).

جدول ۳- استراتژی‌های توسعه اقتصادی کره جنوبی از دهه ۱۹۶۰ میلادی

علوم و تکنولوژی	توسعه منابع انسانی	چهارچوب سیاست اقتصاد کلان	ابعاد عمده سیاست	استراتژی‌های توسعه	
ساخت نهادهای علمی و حقوقی و چهارچوب اداری مناسب	کاهش نرخ بی‌سوادی	تهیه پایه‌های نهادی و حقوقی برای حمایت از صنعتی شدن از طریق منابع داخلی و سرمایه خارجی	توسعه صنایع سبک	ساختن بنیان‌های تولیدی بر اساس استراتژی صنعتی شدن صادرات محور	دهه ۱۹۶۰
تأسیس زیر بناهای علمی و نهادهای تکنولوژیک	افزایش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، افزایش تعداد فارغ‌التحصیلان کالج‌های مهندسی	رشد حداکثر برای گسترش وام‌های تحقیقاتی دولت	توسعه صنایع سنگین و شیمیایی	تاکید بر رشد خودکفا	دهه ۱۹۷۰
برنامه‌های گسترش تحقیق و توسعه (R&D)	گسترش سیستم آموزش عالی، توسعه منابع انسانی تیمه ماهر	سیاست باثبات اقتصاد کلان، تحکیم بخش خصوصی و رقابت	کاهش یارانه‌های صادراتی و توسعه آزادسازی واردات	توسعه صنایع با تکنولوژی پیشرفته	دهه ۱۹۸۰
گسترش برنامه‌های تحقیق و توسعه در صنایع پیشرفته	توسعه منابع انسانی ماهر در زمینه‌های تکنولوژی اطلاعات و بیوتکنولوژی	آزادسازی تجارت خارجی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	حمایت از توسعه تکنولوژی، بنیانگذاری ساختار اطلاعات	گسترش تکنولوژی‌های خلاق	دهه ۱۹۹۰

اقتباس از بانک جهانی (۲۰۰۶)

فرایند پیشرفت صنایع کره جنوبی به گونه‌ای بود که موسسات کره‌ای توانستند از تولیدکننده مونتاژ به بزرگترین موسسات تولیدی جهان تبدیل شوند. در دهه ۱۹۷۰ شرکت‌های سامسونگ و گلداستار از طریق اخذ لیسانس اقدام به استفاده از تکنولوژی وارداتی از موسسات ژاپنی نمودند. اما از طریق هزینه‌های تحقیق و توسعه (R&D) و مهندسی معکوس تکنیک‌ها و روش‌های کارآمد توانستند تولید را بهینه نمایند. علیرغم اینکه در اواسط دهه ۱۹۷۰ میلادی ایستگاه بخش برنامه‌های رنگی وجود نداشت اما مهندسين کره‌ای با اقتباس از تکنولوژی ژاپنی شروع به طراحی و ساخت تلویزیون رنگی برای صادرات نمودند. با شروع دهه ۱۹۸۰ میلادی رشد سریع صادرات صنایع الکترونیک کره جنوبی آغاز گردید و تولید قطعات کامپیوتر، وسایل مربوط به ارتباطات و نیمه‌هادی‌ها به تدریج بازارهای جهانی را تسخیر نمود. این روند در دهه ۱۹۹۰ میلادی با توسعه صادرات صنایع دارای ارزش افزوده بالا ادامه یافت. در نتیجه شرکت‌های کره‌ای سامسونگ و گلداستار در ردیف بزرگترین شرکت‌های تولیدکننده این محصولات در دنیا قرار گرفتند.

مداخلات دولت کره در امور موسسات و بنگاه‌های خصوصی بزرگ یا شرکت‌هایی که در هر دو زمینه صنایع جایگزین واردات و توسعه صادرات کار می‌کرده‌اند بسیار بااهمیت قلمداد می‌گردد. در واقع رونق اولیه صادرات کاربرد نظیر منسوجات، پوشاک، کفش و الوار به دلیل وجود تعداد زیاد بنگاه‌های متوسط رخ داد. تا دهه ۱۹۷۰ میلادی دولت صنایع فولاد، کشتی‌سازی، خودروسازی، لوازم الکترونیکی، صنایع شیمیایی و سایر صنایع سنگین را مورد

حمایت قرار می‌داد. موسسات دولتی نیز وسیله‌ای برای کسب فن‌آوری و بومی‌سازی تکنولوژی وارداتی شدند. صنایع شش‌گانه شامل: صنایع الکترونیک، اتومبیل، کشتی‌سازی، پتروشیمی، آهن و استیل و صنایع ماشین‌سازی در طول دو دهه گذشته همواره بیش از نیمی از صادرات کره جنوبی را در بر می‌گرفته است.

سهم صادرات از کل صادرات که یکی از شاخص‌های توسعه صنعتی محسوب می‌شود، از آن به عنوان شاخص رقابت‌پذیری استفاده می‌گردد. ساختار صادرات صنعتی هر کشور الگوهای تخصصی را تعیین می‌کند. عوامل تولید، توان نیروی انسانی، تکنولوژی، نهادها و سیاست‌های صنعتی هستند. لذا کیفیت ساختار منجر به نتایج متفاوتی در رشد می‌گردد.

بررسی شاخص‌های توسعه جهانی (۲۰۰۰) نشان می‌دهد که سهم صادرات صنعتی در کل صادرات کشورهای تازه صنعتی شده جنوب شرق آسیا (NICs) در دوره ۱۹۹۹-۱۹۶۰ از ۲۰/۵ در دهه ۱۹۶۰ به ۷۲/۳ درصد در دهه ۱۹۹۰ افزایش یافته است. افزایش میزان صادرات کره جنوبی از متوسط رشد کشورهای تازه صنعتی شده جنوب شرق آسیا نیز بالاتر بوده است، به طوری که از ۸۴/۲ درصد در دهه ۱۹۶۰ به ۹۲ درصد افزایش یافت (نیلی، ۱۳۸۳). همان طوری که جدول شماره ۳ نشان می‌دهد افزایش سهم صادرات کره جنوبی در جهان همزمان با بالا رفتن سهم صنایع سنگین و شیمیایی به صورت درصدی از کل صادرات همراه بوده است. دیگر شاخص‌های توسعه صنعتی شامل نرخ رشد سرانه تولیدات صنعتی و سهم ارزش افزوده صنعت از تولید ناخالص ملی GNP از بیشترین رشد در میان کشورهای صنعتی و در حال توسعه برخوردار بوده است.

جدول ۸- شاخص‌های رشد صادرات کره جنوبی (۱۹۶۰-۲۰۰۰)

سال	۱۹۶۰	۱۹۷۰	۱۹۸۰	۱۹۹۰	۲۰۰۰
صادرات (میلیون دلار)	۰/۰۳	۰/۸	۱۷/۵	۶۵	۱۷۲
سهم در صادرات جهانی (در صد)	۰/۰۳	۰/۳	۰/۹	۱/۹	۲/۷
سهم صنایع سنگین و شیمیایی در کل صادرات (در صد)	—	۱۳	۴۲	۵۷	۸۱

منبع: سازمان تجارت بین‌المللی کره (KITA) - ۲۰۰۲

جمع‌بندی و ملاحظات

خصوصی و هم‌بخش عمومی تحت شرایط رقابتی شدیدتری قرار می‌گیرند لذا این استراتژی‌ها رشد اقتصادی بیشتری را به دنبال می‌آورد. دولت کره جنوبی با درگیر شدن دولت در فعالیت‌های اقتصادی آن هم به طور فعال، نقش مولد و مکمل بودن بخش خصوصی را تا آنجا که ممکن بود پذیرفت. حتی زمانی که بخش خصوصی در بخش صنعت وارد نمی‌شد دولت آن صنعت را با هدف فروش به بخش خصوصی تاسیس می‌کرد و وقتی بخش خصوصی آماده سرمایه‌گذاری در آن می‌شد دولت آن را می‌فروخت. این امر حاکمیت از قابلیت‌های مدیریتی دولت در این کشورها دارد. فرایند طی شده توسط صنایع کره‌ای هماهنگ با سیاست‌های کلان اقتصادی دولت بوده است و طبعاً هرگونه عدم تعادل در عملکرد اقتصادی کشور موجب کند شدن و یا نوسان در فرایند صنعتی شدن کره جنوبی می‌شد.

پی‌نوشت‌ها

1. Newly Industrialized Countries

که در آن محصول اقتصاد در پایین‌ترین هزینه تولید می‌شود.
۲. کارایی تخصیصی که در آن منابع به تولید کالاها و خدماتی اختصاص می‌یابند که بیشترین ارزش را برای جامعه داشته باشند. کارایی توزیعی کالاها به نحوی ارائه می‌شوند که مصرف‌کنندگان به گونه‌ای درآمدهای قابل تصرف خود را صرف کنند که برای سایر کالاها و خدمات تقاضا نمایند.

۳. کروگر (۱۹۸۲)، به این نکته که دولت به عنوان یک سازمان غیربازاری نباید در محدوده فعالیت‌هایی از قبیل صنایع تولیدی، تنظیم مقررات و بازارهای ارز خارجی دخالت نماید اشاره می‌کند، زیرا این‌گونه دخالت‌ها منابع کمیاب را از فعالیت‌هایی مانند ایجاد و توسعه زیربنای عمومی و تنظیم و قانون منحرف می‌کند.

4. Gross Domestic Production

۵. تعدادی از چابول‌های عمده کره جنوبی عبارتند از: هیوندای، سامسونگ، دیو، کیا، سامسونگ، ال‌جی، هنسول، هانجین.

6. Office of National Tax Administration

به نظر می‌رسد در روند توسعه صنعتی کره جنوبی مجموعه‌ای از عوامل از قبیل عملکرد مناسب سیاست‌های مالی و پولی، اصلاحات نظام مالیاتی، برنامه‌ریزی‌های جامع آموزش نیروی انسانی، استفاده منطقی از تکنولوژی و بهبود بهره‌برداری از عوامل تولید و ثبات در سیاست‌های اقتصادی بوده است. نتایج‌های دیگری که از بحث پیرامون استراتژی‌های اتخاذ شده توسعه اقتصادی کره جنوبی به دست می‌آید این است که دولت برای تحکیم و تقویت کارایی تخصیص منابع به صورت مولد بسیار مصمم بوده است. اغلب موسسات اقتصادی درک نموده بودند که یارانه‌ها و مساعدت‌ها موقتی می‌باشند و با توجه به برنامه‌ریزی‌های دولت بایستی این بنگاه‌ها وارد بازار جهانی گردند. محدودیت‌ها و برخوردهای دولت با بنگاه‌ها و صنایع غیرکارا بسیار شدید بود. سیاست کره جنوبی در دهه ۱۹۷۰ میلادی تمرکز بر توسعه صنایع سنگین و شیمیایی با هدف افزایش توان فنی و توسعه بازارهای صادراتی و کاهش وابستگی به واردات بود. همچنین کلید موفقیت کره جنوبی در زمینه سیاست جذب تکنولوژی وارداتی در این دوره رواج رویکرد اشتغال محور و تولیدگرا در زمینه انتقال تکنولوژی بوده است. از بعد سیاست‌های پولی و مالی سیاست دولت کره پایین آوردن نرخ بهره و کنترل مستقیم سیستم بانکی توسط دولت بود. سیاست‌های پولی همراه با مشوق‌های مالیاتی بود تا شرکت‌های داخلی بتوانند به رقابت با تولیدکنندگان خارجی بپردازند. همچنین تجربه کره جنوبی به طور اخص نشان می‌دهد که حمایت از توسعه صادرات سبب می‌شود که موسسات داخلی برنامه‌ریزی‌های فنی و اقتصادی خود را براساس داده‌های بازار رقابتی در سطح جهان طراحی و اجرا نمایند. با توجه به برنامه‌ریزی‌های موفق که این کشور داشته، بدون محدودیت‌های تقاضای داخلی یا مشکلات تامین و تهیه مواد و قطعات مورد نیاز توانستند رشد مداومی در صادرات خود را تجربه نموده و به تدریج سهم خود از تولید و صادرات محصولات ساخته شده و صنعتی را افزایش دهند. استراتژی مناسب باعث می‌گردد که هم موسسات بخش

مجموعه مقالات علوم انسانی - اقتصاد و مدیریت، دفتر

سوم، بهار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران، ۱۳۸۰.

نیلی، مسعود، خلاصه مطالعات طرح استراتژی توسعه صنعتی

کشور، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه صنعتی

شریف، ۱۳۸۲.

Amesden Alice, "Asia Next Giant: South Korea and Late Industrialization", New York, Oxford University Press, 1989.

Chibber, Viek, Building a Developmental State: The Korean Case Reconsidered Politics and Society, 27(8), 1999.

Chun Liu Wan and Chun U Hsu, "The Role of Financial Development in Economic Growth; The Experience of Taiwan and Korea", *Journal of Asian Economics*, 17, 2006.

Clark, Cal, "Theories of Development and the Taiwan Experience", Auburn University, Al., 2000.

Colclough, C., Structuralism Versus Neo Liberalism: an Introduction, in Colclough, C and Manor, J (ed), States or Markets? Neoliberalism and Development Policy Debate, 1991.

Cindy Howe, C, A, Kane, J. and Mattison, R. "Dynamic Korea: Education Policies and Reform", EPS 5307, 2007.

Chun, S, H., "Economic Development, Tax Policy and Tax System of Korea", *Korea Institute of Public Finance*, 2002.

Deat, Christopher, "Taiwan Foreign Economic Policy: The Liberalization Plus Approach of an Evolving Developmental State, *Modern Affairs State*", 37(1), 2003.

Enos, J and Park, W, H., "The Adoption and Diffusion of Imported Technology, The Case of S. Korea", Croom Helm, London. 1988.

Evans, P. "Embedded Autonomy: States and Industrial Transformation", Princeton University Press, 1995.

Evans, D. and Alizadeh, P., "Trade,

7. Gross National Production

8. Value Added Tax

۹. سطح تولید ناخالص داخلی سرانه بر اساس شاخص برابری قدرت خرید و قیمت‌های سال ۱۹۹۶ جداول جهانی می‌باشد.

۱۰. کشورهای شرق آسیا شامل: چین، هنگ‌کنگ، اندونزی، کره جنوبی، مالزی، فیلیپین، تایوان، سنگاپور و تایلند می‌باشند.

۱۱. کشورهای آمریکای جنوبی شامل: آرژانتین، برزیل، بولیوی، شیلی، کلمبیا، کاستاریکا، گواتمالا، هائیتی، مکزیک، جامائیکا، نیکاراگوا، پاناما، پرو، ونزوئلا، ترینیداد و توباگو، اکوادور، پاراگوئه، اروگوئه، هندوراس؛ ال سالوادور، دومینیکن می‌باشند.

12. Organization for Economic Co-operation and Development

13. Korea International Trade Association

14. Korea Institute of Science and Technology

15. Export Processing Zones

16. Korea Institute of Chemical Research Technology

17. Foreign Direct Investment

18. Electronics Industries Association of Korea

منابع

راغفر، حسین و هاشمی، محمدحسین، راهبردها و توسعه اقتصادی، نشر نی، ۱۳۸۴.

کمالی دهکردی، پروانه، سیاست‌های تعدیل اقتصادی در کشورهای کره جنوبی، نیجریه و جمهوری اسلامی ایران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۲.

محمدی، تیمور، اهمیت علم اقتصاد توسعه، مجله برنامه و بودجه، شماره ۱۰، صفحات ۱۰۹-۱۴۲، ۱۳۷۷.

نقوی، سید حیدر نواب، اقتصاد توسعه یک الگوی جدید، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، صفحات ۱۳۰-۱۱۵، ۱۳۷۸.

همایون، علیرضا، تجربه توسعه صنعتی چند کشور آسیایی،

- Kokko, A., *"Export Led Growth in East Asia: Lessons for Europe's Transition Economies"*, IR-01-050, International Institute for Applied Systems Analysis, Austria, 2001.
- Krueger, A. "The Political Economy of Rent Seeking Society", *American Economic Review*, 64, 1974.
- Masahiko Aoki, *"Hyung Ki Kim and Masahiro Okino-Fujimara"*, Ed, the Role of Government in East Asian Economic Development, Oxford University Press.
- Scitovsky, T. Economic Development in Taiwan and S. Korea, 1965-81, in Lau, L. J. (ed) *Models of Development: A Comparative Study of Economic Growth in South Korea and Taiwan*, ICS Press, San Francisco, U. S., 1986.
- Taylor, Lance, *"Development Questions for 25 Years"*, Research Paper No. 2206/14, World Institute for Development Economics Research, United Nation University, Finland, 2006.
- Taylor Lance and Rada Codrina, *"Developing and Transition Economies in the Late 20th Century: Diverging Growth Rates, Economic Structures, and Sources of Demand"*, United Nations Department of Economic and Social Affairs (DESA) and the Ford Foundation, 2006.
- The World Bank. *Korea as a Knowledge Economy: Evolutionary Process and Lessons Learned*, Korea Development Institute (KDI) and the Knowledge for Development Program of the World Bank Institute (WBI), 2006.
- United Nation Conference on Trade and Development (UNCTAD), *World Investment Report*, Various Years Geneva.
- United Nation Industrial Development Organization (UNIDO).
- Wah, T. K. and Jomo, K. S., *"Economic Theory and Industrial Policy in East Asia, in Fitzgerald, R(ed)"*, The State and Economic Development: Lessons from *Industrialization and Invisible Hand*, the Journal of Development Studies, Vol. 21, 1984.
- Fukasaka, Ki., *"Overview: Miracle, Crisis and Beyond"*, OECD Development Centre, Paris.
- Greggio, J, and Lee, J. W., *"Growth and Adjustment in East Asia and Latin America"*, Working Paper No.17, LAEBA Conference, Economic Development in Asia and Latin America, Tokyo, Japan, 2003.
- Hamilton, G and Feenstra R. *"Trade Data Archeology: Restructuring the Industrialization of Taiwan and Korea"*, University of California Davis and University of Washington, 2006.
- Hong Jang, J., *"Regional Innovation System and Policy Practice"*, The Korean Case, 2007.
- Harrold, P., Jayawickrane, M and Bhathasali, D., *"Practical Lessons for Africa from East Asia in Industrial and Trade Policies"*, WDP 3/0, World Bank Discussion Papers, Africa Technical Department Series, World Bank, 1996.
- Hobady, M. "East Asian Latecomer firms: Learning The Technology of Electronics", *World Development*, Vol 23, No.7, 1995.
- Jang, S. M. *"Financing and Implementing National Education Plans"*, Country Report at UNESCO International Seminar on Financing and Implementing National Education Plans , ASAN-Si Republic of Korea, 17-21 Sep. 2003.
- Jomo .K. Sundaram, *"State and Market in Economic Development: Southeast Asian Industrial Policy in Comparative East Asian Perspective"*, Presented in International Seminar on: Promoting Growth and Welfare: Structural Changes and the Role of Institutions in Asia, Santiago, Chile and Rio de Janeiro , Brazil, April 29- May 03, 2002.

- the far East, London, 1995.
- Wade, R. Governing the Market: Economic Theory and the Role of Government in East Asia Industrialization, Princeton, U. S., 1990.
- Westphal, L and Pack, H. Industrial Strategy and Technical Change: Theory Versus Reality, Journal of Development Economics, Vol. 22 , 1980.
- Westphal, L., Rhee, Y. and Pursell, G. Sources of Technological Capability in S. Korea, in Fransman, M and King, K (ed) Technology Capability in Third World, MacMilan, 1984.
- World Bank. Korea as a Knowledge Economy, Evolutionary Process and Lessons Learned , World Bank Institute, 1996.
- World Development Indicators, Various Years, World Bank, Washington, D. C.
- Young, S. K. Reforming the Fiscal Management System in Korea, Korea Development Institute, 2005.

